

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2024; 14(39): e12

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

The Role of Police Organizational Culture in Respecting the Rights of accused and Victims of Medical Crimes with an Emphasis on the Code of Criminal Procedure and Ethical Principles

Mohsen Taheri Jebeli¹, Hooshang Shambayati^{1*}, Mohammad Ashouri², Ali Najafi Tavana¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In today's era, when increasing health services and extensive medical measures have resulted in legal consequences, especially regarding the increase of crimes, the observance of citizen's rights and respect for the rights of accused and victims in medical crimes are among the key issues of the criminal justice system. Considering the effect of organizational culture on the performance and behavior of the police, this research investigates the role of police organizational culture in respecting the rights of accused and victims of medical crimes and emphasizes the ethical principles and the effect of the criminal procedure law on this issue.

Methods: Research has been done by library and documentary method. The required information was collected from written sources, laws and legal documents, and using the qualitative analysis method, the data were analyzed to identify patterns and connections between police organizational culture and civil rights in medical crimes.

Ethical Considerations: The ethical aspects of library studies have been considered in the present research.

Results: The organizational culture of the police, based on common values and moral beliefs, plays an effective role in protecting the rights of accused and victims of medical crimes. The principles of restorative justice and the approach of the criminal procedure law in this field indicate the necessity of constructive and humane interaction of the police with the accused and the victims. The law of criminal procedure obliges judicial officers to respect citizen's rights and maintain human dignity in all stages of proceedings, which provides a necessary platform for effective and qualitative treatment of medical crimes within the jurisdiction and interactive field of the police.

Conclusion: Strengthening the organizational culture of the police by emphasizing ethical principles and under the shadow of necessary training can lead to the realization of restorative justice and protection of the rights of accused and victims in medical crimes. In addition to increasing public trust in the judicial system, this is effective in reducing social tensions and improving the quality of interactions between the police and citizens involved in medical cases. Accordingly, the most significant approaches to cultivating organizational culture include strengthening infrastructure and specialization within the police force, promoting adherence to the law, developing differentiated behavioral guidelines for medical crimes, establishing a performance evaluation system, implementing a reward and penalty system, assessing the process of fostering organizational culture, and maintaining a desirable organizational culture based on the vision of the Code of Criminal Procedure.

Keywords: Organizational Culture; Police; Civil Rights; Medical Crimes; Ethical Principles; Restorative Justice

Corresponding Author: Hooshang Shambayati; **Email:** hooshang_shambayati@gmail.com

Received: January 31, 2024; **Accepted:** March 26, 2024; **Published Online:** September 17, 2024

Please cite this article as:

Taheri Jebeli M, Shambayati H, Ashouri M, Najafi Tavana A. The Role of Police Organizational Culture in Respecting the Rights of accused and Victims of Medical Crimes with an Emphasis on the Code of Criminal Procedure and Ethical Principles. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e12.



نقش فرهنگ سازمانی پلیس در احترام به حقوق متهمان و بزهدیدگان جرایم پزشکی با

تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری و اصول اخلاقی

محسن طاهری جبلی^۱، هوشنگ شامبایاتی^{۱*}، محمد آشوری^۲، علی نجفی توانا^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در عصر حاضر که خدمات فزاینده سلامت و اقدامات گسترده پزشکی تبعات حقوقی به ویژه در خصوص افزایش جرایم را منتج شده است، رعایت حقوق شهروندی و احترام به حقوق متهمان و بزهدیدگان در جرایم پزشکی از مسائل کلیدی نظام عدالت کیفری به شمار می‌رود. با توجه به تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد و رفتار نیروی پلیس، این پژوهش به بررسی نقش فرهنگ سازمانی پلیس در احترام به حقوق متهمان و بزهدیدگان جرایم پزشکی می‌پردازد و به اصول اخلاقی و تأثیر قانون آیین دادرسی کیفری بر این موضوع تأکید دارد.

روش: تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز از منابع مکتوب، قوانین و اسناد حقوقی گردآوری شد و با استفاده از روش تجزیه و تحلیل کیفی، داده‌ها بررسی شدند تا الگوها و ارتباطات میان فرهنگ سازمانی پلیس و حقوق شهروندی در جرایم پزشکی شناسایی شوند.

ملاحظات اخلاقی: جنبه‌های اخلاقی مطالعات کتابخانه‌ای در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌ها: فرهنگ سازمانی پلیس، بر پایه ارزش‌های مشترک و باورهای اخلاقی، نقشی مؤثر در حفظ حقوق متهمان و بزهدیدگان جرایم پزشکی ایفا می‌کند. اصول عدالت ترمیمی و رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه حاکی از لزوم تعامل سازنده و انسانی پلیس با متهمان و بزهدیدگان است. قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان قضایی را به طور عام و به صورت موردی، ملزم به رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی در تمام مراحل دادرسی می‌کند که این مهم بستری بایسته برای رسیدگی مؤثر و کیفی به جرایم پزشکی را در قلمرو صلاحیت و حوزه تعاملی پلیس فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری: تقویت فرهنگ سازمانی پلیس با تأکید بر اصول اخلاقی و در سایه آموزش‌های لازم، می‌تواند به تحقق عدالت ترمیمی و حمایت از حقوق متهمان و بزهدیدگان در جرایم پزشکی منجر شود. این امر نه تنها موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی می‌شود، بلکه در کاهش تنش‌های اجتماعی و بهبود کیفیت تعاملات پلیس و شهروندان درگیر در پرونده‌های پزشکی تأثیرگذار است. بر این اساس مهم‌ترین رویکردها در پرورش فرهنگ سازمانی شامل تقویت زیرساخت‌ها و تخصصی‌سازی در نیروی پلیس، آموزش قانون‌مداری، تدوین شیوه‌نامه افتراقی رفتاری در خصوص جرایم پزشکی، نظام ارزشیابی عملکرد، نظام تشویق و تنبیه، ارزیابی فرایند پرورش فرهنگ سازمانی و حفظ فرهنگ سازمانی مطلوب بر اساس چشم‌انداز قانون آیین دادرسی کیفری شایان توجه است.

واژگان کلیدی: فرهنگ سازمانی؛ پلیس؛ حقوق شهروندی؛ جرایم پزشکی؛ اصول اخلاقی؛ عدالت ترمیمی

نویسنده مسئول: هوشنگ شامبایاتی؛ پست الکترونیک: hooshang_shambayati@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Taheri Jebeli M, Shambayati H, Ashouri M, Najafi Tavana A. The Role of Police Organizational Culture in Respecting the Rights of accused and Victims of Medical Crimes with an Emphasis on the Code of Criminal Procedure and Ethical Principles. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e12.

مقدمه

از جمله مسائل و دغدغه‌های مهم عصر کنونی توجه به حقوق و آزادی‌های عمومی و رعایت حقوق شهروندی است. این رویکرد نوین حقوقی و فلسفی که به رابطه میان شهروندان و نظام سیاسی حاکم توجه دارد، زاییده تلاش‌های فعالان و گروه‌های حقوق بشری است. حقوق شهروندی به مثابه گفتمانی نوظهور در قلمرو علم حقوق بر عضویت کامل و برابر در جامعه سیاسی رهنمون می‌شود. بر این اساس، تمامی شهروندان صرف نظر از نژاد، تابعیت، رنگ، قومیت و... از حق آزادی و برابری در عرصه‌های مختلف برخوردارند. احترام به حقوق شهروندی علاوه بر مقیاس عام در حوزه‌های خاص نیز محل تأکید مضاعف قرار می‌گیرد. در رسیدگی به جرایم به واسطه حساسیت جایگاه متهم و بزهدیده این مسأله جایگاهی خاص می‌یابد. به ویژه در برخی جرایم نظیر جرایم پزشکی نظام رسیدگی بایستی ملاحظات ویژه‌ای را به منظور تضمین حقوق طرفین منظور نماید. جرم پزشکی مفهومی عام است مشتمل بر جرایم خاص پزشکی و جرایم منافی شئون حرف پزشکی و به طور کلی عبارت از فعل یا ترک فعلی است که از ناحیه پزشک یا همکاران او رخ داده و در قانون واجد عنوان مجرمانه است و موجب مجازات مرتکب، یعنی پزشک متخلف یا هر یک از شاغلین حرف پزشکی شود (۱،۲). اصلی‌ترین گروه جرایم پزشکی شامل جرایم غیرعمدی منجر به ایراد صدمه و زیان به بیمار است. این جرایم دارای سوءنیت نبوده و از دسته جرایم عمدی و جنایات مندرج در قانون مجازات اسلامی خارج است. آنچه در این نوشتار محل تأکید است همین قسم از جرایم پزشکی ناشی از تقصیر و قصور پزشک بوده که در پی شکایت از پزشک، در دادرسی ویژه جرایم پزشکی طرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر باید اذعان داشت یکی از نهادهای بسیار مهم که در حوزه حقوق شهروندی فعال است و رفتار آن نقش مهمی در مجموعه نظام عدالت کیفری ایفا می‌کند، نهاد پلیس است. نیروهای پلیس در عرصه‌های مختلف با افراد جامعه در حال تعاملند که از آن جمله می‌توان به برخوردهای ساده با

شهروندان، تذکر به آن‌ها، انجام مأموریت‌های پلیسی و تعقیب و گریز و درگیری، تعامل با افراد درگیر در فرایند کیفری (متهمان، بزهدیدگان، شهود و مطلعان) و... اشاره کرد. از آنجا که نیروهای پلیس ایران به مثابه کارگزاران خدمت‌رسان به صورت تمام وقت، مشغول فعالیت هستند، تعامل آن‌ها با شهروندان به ویژه کسانی که در مظان اتهام یا به نوعی مرتبط با بزه ارتكابی هستند نیز در قیاس با دیگر نهادها و ارگان‌ها بیشتر است. بر این اساس، می‌توان گفت که موفقیت پلیس در احترام به حقوق شهروندی موجب جلب اعتماد افکار عمومی می‌شود، ولی چنانچه پلیس در حفظ حقوق شهروندی ناموفق باشد، افراد، اعتماد خود را نه تنها نسبت به نهاد مجری قانون از دست خواهند داد، بلکه پیامدهای ناگواری را برای جامعه و انتظام آن رقم خواهد زد و این خود مبین اهمیت نقش پلیس در عرصه حفظ حقوق شهروندی است.

در این راستا ایفای نقش پلیس در جرایم پزشکی در تقابل با متهمان و بزهدیدگان این حوزه از اهمیت خاصی برخوردار است که می‌تواند مبتنی بر یک فرهنگ متعالی سازمانی ضمن رعایت حقوق طرفین درگیر، زمینه و بستر اجرای عدالت را فراهم آورد. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، بر وظایف و مسئولیت‌های پلیس در قبال متهمان و بزهدیدگان افزوده است. قانون اخیر و اصلاحات آن ضمن توجه به مبانی جرم‌شناسانه و متأثر از رویکردهای سیاست جنایی به دنبال حمایت هرچه بیشتر از حقوق متهمان و بزهدیدگان می‌باشد. با این حال، مقررات موجود در حوزه وظایف پلیس، گرچه نوآورانه و حقوق بشری هستند، اما کاربست آن‌ها بستگی به پذیرش مقررات مزبور در چارچوب فرهنگ سازمانی پلیس دارد. امری که می‌تواند در سایه تأکید بر اصول اخلاقی و آموزش و ترویج آن زمینه نهادینه‌سازی رفتار بایسته سازمانی را فراهم آورد. بر این اساس مسأله تحقیق حاضر بررسی نقش فرهنگ سازمانی پلیس در احترام به حقوق متهمان و بزهدیدگان جرایم پزشکی با تأکید بر اصول اخلاقی و همچنین در سایه توجه به رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری خواهد بود.

روش

این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. در این راستا، با بهره‌گیری از منابع مکتوب شامل کتاب‌ها، قوانین و اسناد حقوقی، مقالات علمی، گزارش‌های رسمی و پایگاه‌های داده مرتبط، اطلاعات لازم گردآوری شده است. پس از گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات با هدف شناسایی الگوها، تبیین ارتباطات، و دستیابی به نتایج دقیق انجام گرفت. این تحلیل بر پایه بررسی محتوایی و تطبیقی داده‌های به‌دست‌آمده صورت پذیرفت و تلاش شد تا یافته‌ها به‌گونه‌ای منسجم و نظام‌مند در راستای اهداف پژوهش ارائه شود.

یافته‌ها

۱. جرایم پزشکی و رسیدگی به آن مطابق با آیین دادرسی کیفری: تخلفات پزشکی مشتمل بر مواردی است که پزشک برخلاف قوانین و مقررات وضع‌شده صنفی رفتار می‌کند، نظیر سهل‌انگاری در انجام وظیفه، تجویز بی‌رویه دارو یا آزمایش‌های غیرضروری یا عدم رعایت مقررات تعرفه‌های خدمات پزشکی؛ ولی جرایم پزشکی مواردی را دربر می‌گیرند که در قانون مجازات اسلامی قانونگذار برای آن مجازات در نظر گرفته است، لیکن شخصی که مرتکب آن می‌شود، پزشک و یا جزء تیم پزشکی است. البته در بسیاری موارد جرایم پزشکی همزمان تخلف نیز محسوب می‌شوند و در چارچوب مقررات صنفی نیز قابل پیگیری هستند. در بعد قضایی بسته به نوع جرم و ماهیت عمل ارتكابی و خواسته زیان‌دیده از جرم، دادرسی جرایم پزشکی، شورای حل اختلاف (ویژه امور بهداشت)، محاکم کیفری و همچنین دادگاه‌های حقوقی در رابطه با طرح دعوای خسارت، حسب مورد از مراجع ذی صلاح به شمار می‌روند (۳). همچنین رسیدگی به تخلفات پزشکی در صلاحیت دادرسی انتظامی پزشکی است. رسیدگی به تخلفات پزشکی توسط هیأت‌های بدوی انتظامی مانع رسیدگی توسط محاکم قضایی نمی‌شود، چراکه ممکن است پزشک اقدام به عملی نماید که واجد وصف مجرمانه باشد و

چون چنین امری بالتبع تخلف نیز محسوب می‌شود، محاکم دادگستری و هیأت‌های بدوی انتظامی هر کدام می‌توانند جداگانه به موضوع رسیدگی کنند. برای مثال در صورتی که فردی در جریان جراحی زیبایی دچار صدمه و آسیب شده باشد می‌تواند از طریق مراجع ذیل اقدام به طرح دعوی و پیگیری نماید:

۱- دادرسی ویژه امور پزشکی که از این طریق امکان مطالبه دیه، و خسارات واردشده وجود دارد و اگر پزشک مرتکب قصور شده باشد، می‌توان مجازات او را از دادگاه مطالبه نمود؛ ۲- شورای حل اختلاف که در واقع به پرونده‌هایی که دیه درخواستی در آن‌ها کمتر از ۲۰ میلیون تومان می‌باشد، رسیدگی می‌کند؛ ۳- دادرسی انتظامی سازمان نظام پزشکی که نتیجه رسیدگی در آن برخورد انتظامی با پزشک خواهد بود و طیف وسیعی از اقدامات از توبیخ کتبی تا لغو پروانه طبابت به شکل دائمی را دربر می‌گیرد. علاوه بر این در خصوص ارتکاب جرایم عمومی نظیر قتل عمد یا جعل اسناد و ... امکان اقامه دعوی کیفری از پزشک در چارچوب دادگاه‌های کیفری وجود دارد.

با این حال مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم ناشی از قصور پزشکی و همچنین جرایم مربوط به امور دارویی، مواد خوراکی و ثبت علائم تجاری دارویی و پزشکی و جرایمی مانند رشوه، دادرسی تخصصی است.

در ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است «به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادرس‌های تخصصی از قبیل دادرسی جرایم کارکنان دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسی شهرستان تشکیل می‌شود». همانطور که در این ماده قابل مشاهده است امور پزشکی و دارویی به واسطه تخصصی و ویژه بودن موضوع آن نیازمند دادرسی تخصصی با افراد متخصص و آگاه در این حوزه دانسته شده است.

۲. حقوق متهم و بزه‌دیده از جرایم پزشکی در مرحله تحقیقات مقدماتی: مقدمه انجام تحقیقات مقدماتی و

مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب غیر ممکن شدن تردد گردد؛ ث- متهم در توقیف یا حبس باشد؛ ج- سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود...».

قانون در بند «ب» به بیماری متهم و یا بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد که مانع حضور شود، اشاره کرده است. به نظر می‌رسد هرچند در خصوص متهم به بیماری سخت اشاره نکرده، اما با توجه به الزام آوردن حقوق کیفری و با توجه به قید آخر بند که اشاره کرده: «... که مانع از حضور شود» منظور هر بیماری نیست و چنانچه بیماری متهم یا بیماری والدین و همسر و اولاد مانع حضور نشود، مانند بیماری ساده و یا اینکه والدین به بیماری سخت دچار شوند، اما به دلیل وجود پرستار یا بی‌نیازی به حضور متهم بر بالین آن‌ها، حضور متهم نزد قاضی مقدور شود، تمسک به این ماده موجه نیست. همچنین منظور از بیماری واگیردار در بند «ت» شیوع بیماری‌های مسری در شهر است، بدون اینکه لزوماً متهم نیز به آن‌ها مبتلا شده باشد (۵، ۶). شایان ذکر است در خصوص متهمین جرایم پزشکی این مسأله ممکن است از حساسیت مضاعفی برخوردار باشد چه اینکه به مناسبت طبع کار آن‌ها و حضور در کانون‌های انتشار ویروس ممکن است حضور آن‌ها در جلسه رسیدگی متعذر گردد.

همچنین در بند «ج» صحبت از سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود، شده است. با توجه به اهمیت و حساسیت حرفه پزشکی با تشخیص بازپرس در مواردی که حضور متهم جرایم پزشکی بر بالین بیمار یا بیماران خود ضرورت مبرمی داشته باشد و امکان رفع آن از طریق دیگری نباشد به نظر می‌توان این مهم را نیز از دلایل موجه برشمرد. به هر تقدیر بر اساس مقررات دادرسی کیفری، قانونگذار در مرحله احضار به دادرسی به حقوق متهم و افراد بیمار توجه داشته و به آنان مجوز حاضر نشدن نزد مقام قضایی را اعطا کرده است (۷).

نتیجه غیبت و اعلام نکردن عذر قانونی به مقام قضایی، جلب متهم است در حالی که نتیجه ارائه عذر موجه امکان حضور بازپرس نزد متهم در صورت ضرورت است. وفق ماده ۱۸۷

بازجویی از شخص متهم آن است که او برای حضور نزد بازپرس احضار شود. در واقع نخستین اقدامی که در مورد متهم صورت می‌گیرد، احضار او برای تحقیق است؛ احضار متهم از طریق فرم‌های مخصوص احضارنامه صورت می‌گیرد که به صورت فیزیکی و یا الکترونیک به او ابلاغ می‌شود. متهمی که بدون عذر موجه نزد بازپرس حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می‌شود (ماده ۱۷۹ ق.آ.د.ک).

مرحله تحقیقات مقدماتی و به طور خاص احضار متهم، به‌عنوان یکی از مراحل دادرسی در جرایم پزشکی، تابع اصول خاصی است که هدف آن‌ها تامین عدالت و حفاظت از حقوق متهم و بزه‌دیده و در عین حال ملاحظه شأن شاغلین حرف پزشکی است. از جمله اصول مهم، اصل بی‌طرفی مقام احضار کننده و اصل تساوی حقوق طرفین است. متهم جرایم پزشکی دارای حق بر آگاه بودن از دلایل احضار و موضوع اتهام، حق برخورداری از وکیل، حق اعتراض و اصل برائت است. انتشار تصاویر و هویت او و در نتیجه مخدوش شدن اعتبار حرفه‌ای وی در مرحله تحقیقات مقدماتی ممنوع است (۴). همچنین از سوی دیگر در مرحله تحقیقات مقدماتی حفاظت از حقوق و منافع بزه‌دیده مورد توجه است؛ بزه‌دیده حق دارد در جریان دادرسی از جزئیات پرونده و دلایل احضار متهم مطلع شود. بزه‌دیده می‌تواند در صورت عدم رعایت مقررات توسط متهم یا مقامات، اقدام به طرح شکایت نماید.

۳. وضعیت جلب متهم جرایم پزشکی به دلیل بیماری و

دیگر معاذیر موجه: در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۱۷۸ در دو بند قانونگذار به موضوع بیماری متهم در موقع احضار اشاره کرده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند، جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود: الف - نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه‌ای که مانع حضور شود؛ ب - بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد او که مانع از حضور شود؛ پ - همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود؛ ت - ابتلا به حوادث

برخی ناظر به ادله و اسباب اتهام و برخی ناظر به خود متهم است (۱۰). در این ماده مقرر گردیده است، «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.»

برای نمونه از جمله معیارهایی که برای تعیین نوع قرار تأمین کیفری می‌بایست توسط مقام قضایی مورد توجه قرار گیرد «وضعیت روحی و جسمی» متهم است. وضعیت روحی و جسمی بر اساس این ماده همان سلامت جسمی روانی متهم است و چنانچه متهم دارای بیماری‌ای باشد که بازداشت یا تحت نظر قراردادن او موجب به خطراتدن سلامتیش شود، می‌توان گفت قرار تأمین یا نظارت قضایی متناسب نبوده و موجب محکومیت انتظامی از درجه چهارم به بالا برای قاضی صادرکننده چنین قرار می‌خواهد بود (۱۰)، البته همان‌گونه که ذکر شد، بعضی از جرایم از لحاظ نوع یا میزان مجازات و بیم فرار و تبانی متهم و... نیازمند این است که قرارهای تأمینی متناسب و شدید صادر شود که ممکن است منجر به بازداشت متهم نیز بشود. در این مورد وظیفه‌ای که بر عهده بازپرس قرار دارد، این است که بر محل نگهداری متهم از لحاظ دسترسی به پزشک متخصص و شرایط و مکان بازداشتگاه نظارت بیشتری داشته باشد تا بازداشت موجب وخیم شدن حال بیمار نشود (۱۰).

باید اضافه کرد در جرایم پزشکی، ممکن است متهمین افرادی از کادر درمان باشند که به دلیل شرایط خاص کاری خود (مانند تصمیم‌گیری‌های اضطراری در شرایط بحرانی)، تحت اتهام قرار گرفته‌اند. قانون‌گذار با این ماده به مقام قضایی تأکید می‌کند که هنگام صدور قرار، نه تنها اهمیت جرم بلکه شرایط فردی متهم را هم در نظر بگیرد. بنابراین، این ماده می‌تواند مانع از صدور قرارهای سنگین و غیرمتناسب شود که می‌تواند بر زندگی و حرفه متهمان تأثیر منفی بگذارد.

از طرفی در جرایم پزشکی، بزه‌دیدگان یا خانواده‌های آن‌ها اغلب به دنبال اثبات مسئولیت فرد متهم و دریافت جبران

قانون آیین دادرسی کیفری، «هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری، کهولت سن یا معاذیری که بازپرس موجه تشخیص می‌دهد، نتواند نزد بازپرس حاضر شود، در صورت اهمیت و فوریت امر کیفری و امکان انجام تحقیقات، بازپرس نزد او می‌رود و تحقیقات لازم را به عمل می‌آورد.» اما در صورت اعلام‌نکردن عذر موجه نظیر بیماری توسط متهم و هنگام اجرای جلب به متهم چنین فرصتی داده نمی‌شود تا معاذیر قانونی خویش را به اطلاع مقام قضایی برساند، البته اگر مقام قضایی از معاذیر قانونی اطلاع می‌داشت، دستور جلب متهم را صادر نمی‌کرد و آن را تا رفع معاذیر به تأخیر می‌انداخت. حال اگر دستور جلب متهم صادر و در اختیار ضابطان دادگستری قرار گیرد و ضابطان دادگستری در هنگام اجرای دستور جلب پی به این مطلب ببرند که متهم دارای معاذیر قانونی یاد شده است، باید فوراً از مقام قضایی کسب تکلیف کنند (۶، ۸).

۴. صدور قرار تأمینی برای متهم: از جمله تصمیمات مهمی که در دادسرا نسبت به متهم اتخاذ می‌شود، صدور قرار تأمین کیفری است. اخذ تأمین از متهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یکسو اصل برائت ایجاب می‌کند تا تعیین تکلیف قطعی، اتهام وارده به شهروندان هیچ‌گونه تضییقی نسبت به آزادی یا اموال آنان یا دیگران وارد نشود و از سوی دیگر ضرورت تحقیق از متهم، ممانعت از فرار و تبانی او، جلوگیری از تضییع حقوق بزه‌دیدگان و قربانیان جرم، نیازمند این است که در پاره‌ای موارد قبل از اعلام نظر قطعی قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیت‌ها و تعهداتی برای او یا دیگر افراد فراهم شود (۹). بنابراین، در صورت وجود دلایل کافی مبنی بر توجه اتهام به متهم، مقام قضایی موظف است نسبت به صدور قرار تأمین کیفری اقدام نماید و نمی‌تواند از آن اجتناب کند. حتی در صورت نبود شاکی، مقام قضایی مکلف است قرار تأمین متناسب را صادر کند تا همواره دسترسی به متهم امکان‌پذیر بوده و او بدون تأمین باقی نماند.

ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک معیارهایی را به منظور صدور و انتخاب نوع قرار تأمین در نظر گرفته که برخی ناظر به نوع جرم و مجازات،

سازمانی شامل الگوهای رفتاری معمول، باورها و منافع سازمانی و نگرش‌ها و پیش‌فرض‌های فردی است. بر اساس تبیین صورت‌گرفته، باورها و منافع سازمان و افکار مدیران، بیشترین تأثیر را در نوع فرهنگ سازمانی دارد (۱۶-۱۴).

از طرفی فرهنگ سازمانی در نهاد پلیس نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند، و باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی را که رفتارهای اعضا را شکل می‌دهند، تعیین می‌کند. در پلیس، فرهنگ سازمانی نقشی کلیدی در تقویت اصول حرفه‌ای، ایجاد اعتماد عمومی و تسهیل عملکرد مؤثر و هماهنگ نیروها ایفا می‌کند و ابزاری مؤثر برای پاسداشت حقوق متهمین و بزه‌دیدگان در فرایند عدالت ترمیمی است. پلیس یکی از مدیران و کنشگران اصلی حوزه عدالت کیفری به شمار می‌رود که رویکرد و برنامه ریزی صحیح رفتاری آن نقش بسزایی در تحقق عدالت خواهد داشت (۱۷).

ارتقای فرهنگ سازمانی مقارن با نیل به برخی اهداف عدالت ترمیمی در مجموعه دستگاه عدالت کیفری است. عدالت ترمیمی به رغم تعاریف مختلف و معانی گسترده، راهی است برای پاسخ مناسب به رفتار مجرمانه از طریق ایجاد تعادل میان نیازهای جامعه، بزه‌دیدگان و بزهکاران (۱۸).

پس از آنکه عدالت کیفری سنتی در دو رویکرد سزاده و بازپرورانه خود نتوانست معمای افزایش نرخ بزهکاری را آن‌گونه که از آن‌ها انتظار می‌رود، حل نماید این ناتوانی عدالت کیفری سنتی موجب پدیدارشدن رویکردهای جدیدی نسبت به پدیده مجرمانه، آثار و چگونگی مقابله با آن گردید که از مهم‌ترین آن‌ها رویکرد «عدالت ترمیمی» است. در این رویکرد برخلاف عدالت کیفری سنتی، توجه ویژه‌ای به بزه‌دیده و خسارات او شده است و هدف اصلی فرایندها و ضمانت‌اجراهای به کاربرده شده ترمیم خسارت بزه‌دیده و مسئولیت بخشی به بزهکار است. در واقع از زمانی که آمار کیفری به طور چشم‌گیری افزایش پیدا کرد، مکتبی نو به نام عدالت ترمیمی ظهور پیدا کرد. اصول و اهداف اصلی این مکتب بازتوانی فرد بزهکار در جامعه و جلوگیری از تکرار جرم می‌باشد و بزهکار را نوعی بزه‌دیده معرفی کرد و وزنه سنگین را بر دوش جامعه محلی نهاد. عدالت ترمیمی بر آن است که

خسارت هستند. بنابراین، قانون با تأکید بر حفظ آثار جرم و اجتناب از فرار متهم، از حقوق بزه‌دیدگان حمایت می‌کند و زمینه دسترسی به عدالت و جبران خسارات را فراهم می‌سازد. احترام به حقوق متهمان، بدون ایجاد مانع برای بزه‌دیدگان در پیگیری و اثبات حق خود، شاخص یک رویکرد منصفانه و عادلانه در رسیدگی به جرایم پزشکی است.

۵. فرهنگ سازمانی پلیس و رویکرد عدالت ترمیمی مبتنی بر هنجارهای اخلاقی در مواجهه با جرایم پزشکی: دانشمندان حوزه علوم رفتاری در علم مدیریت، تعاریف مختلفی از فرهنگ سازمانی ارائه داده‌اند. تعاریف ارائه‌شده از فرهنگ سازمانی، این مفهوم را میان دو حد «روش انجام دادن امور» و «روش تفکر در مورد کارها» قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، فرهنگ سازمانی، از یکسو، روش فکرکردن در مورد امور مختلف سازمان را تبیین می‌کند و از سوی دیگر، روش انجام دادن آن‌ها را ترسیم می‌نماید. با این توضیح، فرهنگ سازمانی «به عنوان نظام اعتقادات و باورهای اساسی رفتاری که عموماً افراد سازمان بدان‌ها پایبند بوده و در طول زمان توسعه یافته‌اند» تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ سازمانی، همان شالوده درونی و ساختار غیر مشخص سازمان است که بر اساس اهداف، فناوری، ساختار، سیاست‌ها، عملکرد و محصولات سازمان تجلی می‌یابد و آشکارترین نمود آن را می‌توان در رفتار کارکنان به نظاره نشست. بسیاری از صاحب‌نظران در این مورد، اتفاق نظر دارند که مقصود از فرهنگ سازمانی، سامانه‌ای از استنباط مشترک است که اعضا نسبت به یک سازمان دارند. در واقع فرهنگ سازمانی یک ادراک و فهم جمعی است که افراد از سازمان دارند (۱۱-۱۳).

نتایج مطالعات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که فرهنگ سازمانی بر راهبرد سازمان، چگونگی طراحی ساختار سازمانی، تدوین اهداف و خط مشی‌ها، میزان قابلیت‌های افراد و رفتار فردی و سازمانی اثر شایانی می‌گذارد. فرهنگ سازمانی، تمامی جنبه‌های سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد به بیانی دیگر، فرهنگ سازمانی فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر سازمان است. شاخصه‌های اصلی فرهنگ

۶. فرهنگ سازمانی پلیس و حقوق متهمان و بزهدیدگان
 جرایم پزشکی با تأکید بر رویکرد قانون آیین دادرسی
 کیفری: مردم، به‌ویژه بزهدیدگان جرایم خاص نظیر جرایم
 پزشکی، از دستگاه عدالت کیفری و بازوهای اجرایی آن انتظار
 دارند که به‌محض وقوع جرم یا در حین رسیدگی به آن،
 اقدامات قضایی و اجرایی لازم صورت پذیرد و مجرمان در
 کوتاه‌ترین زمان ممکن از سوی مراجع قضایی ذی‌صلاح مورد
 پیگرد و مجازات قرار گیرند. اگرچه این انتظار از حقوق مشروع
 مردم است، لیکن در برخی موارد، به دلایل مختلف از جمله
 پیچیدگی‌های ذاتی برخی جرایم و حساسیت‌های آن‌ها، امکان
 کشف و شناسایی سریع و دستگیری و بازداشت مجرمان وجود
 ندارد. این انتظارات، به‌ویژه زمانی که با فشار از سوی مقامات
 قضایی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی همراه باشد، ممکن
 است پلیس را به سمت استفاده از خشونت یا سهل‌انگاری برای
 تسریع در کشف جرایم و دیگر امور محوله از سوی دستگاه
 قضا در خصوص رسیدگی به جرم و در نتیجه عدول از رفتار
 تراز و ایده آل در ساحت فرهنگ سازمانی سوق دهد. در واقع
 فشارهای شغلی می‌توانند ضریب خطا و اشتباهات سازمانی را
 افزایش دهند.

باید ادعان داشت که زیرساخت‌ها و عوامل سخت‌افزاری و
 نرم‌افزاری نقش مهمی در تحقق فرهنگ سازمانی در نهاد
 پلیس ایفا می‌کند. فرهنگ سازمانی رسمی که منبعت از
 وظایف قانونی و آیین‌نامه‌ای است و همچنین فرهنگ سازمانی
 غیررسمی که شامل اصول و باورهای مشترک غیررسمی
 اعضاست که در درون سازمان اخلاقی شده است عامل حائز
 اهمیتی در ایجاد توازن و برقراری عدالت رفتاری در رسیدگی
 به جرایم مختلف از جمله جرایم پزشکی است (۲۰، ۲۱).

قانون آیین دادرسی کیفری تکالیف عدیده‌ای را برای ضابطان
 دادگستری که مأمورین پلیس را نیز مشمول می‌شوند در نظر
 گرفته است که بر اهمیت تسویق فرهنگ سازمانی پلیس در
 راستای احترام به حقوق شهروندی متهمین و بزهدیدگان
 جرایم پزشکی اشارت دارد. از نظر قانون، ضابطان دادگستری
 مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در

کلیه طرفین درگیر در جرم را در این فرایند مشارکت دهد و با
 ابزارهایی مانند میانجی‌گری هدف این است که جرم‌زدایی
 شود و اصل این است تا جایی که امکان دارد متهم را تعقیب
 نکند و به نوعی رفع تنش بین بزهدید و بزهدیده، تقویت حس
 مسئولیت‌پذیری و آشتی و مصالحه بین بزهدکار و بزهدیده و
 تشفی خاطر بزهدیده محور برنامه‌ها است (۱۹).

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۲ موضوع
 «میانجی‌گری» را در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ مطرح
 کرده، این جرایم غالباً قابل گذشت و یا جرایمی هستند که
 گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در تخفیف مؤثر است. این
 امر موجب کاهش تراکم پرونده‌ها و کاهش هزینه‌های بزهدیده
 و در مورد متهم باعث فراهم‌شدن زمینه برای تسریع باز
 اجتماعی‌شدن و حفظ حیثیت او می‌شود.

در این میان فرهنگ سازمانی پلیس، به‌عنوان یک نهاد کلیدی
 در حوزه عدالت کیفری، نقش مهمی در اجرای اصول عدالت
 ترمیمی دارد. پلیس به‌عنوان ضابط قضایی در مراحل مختلف
 رسیدگی با طرفین جرایم پزشکی تعامل خواهد داشت و نوع
 رویکرد آن تأثیر بسزایی در حفظ احترام متهمین و بزهدیدگان
 جرایم پزشکی دارد. این فرهنگ که بر پایه اصول اخلاقی،
 حرفه‌ای و هنجارهای مشترک بنا شده است، می‌تواند
 زمینه‌ساز رویکردی انسانی‌تر و جامعه‌محور در مواجهه با
 جرایم پزشکی باشد. عدالت ترمیمی، برخلاف نظام کیفری
 سنتی، به بزهدیدگان و بزهدکاران اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و
 تلاش می‌کند با رویکردی تعاملی و ترمیمی، به جای تمرکز
 صرف بر مجازات، به بازتوانی بزهدکار و جبران خسارات بزهدیده
 بپردازد. در این میان، پلیس با ایجاد تعامل مثبت، میانجی‌گری
 و بهره‌گیری از ارزش‌های فرهنگی سازمانی خود، می‌تواند
 به‌عنوان تسهیل‌کننده‌ای مؤثر در فرایند سوق به ترمیم
 خسارات و ایجاد آشتی میان طرفین درگیر در جرم عمل کند.
 به این ترتیب، تقویت فرهنگ سازمانی پلیس و به‌کارگیری
 اصول عدالت ترمیمی، به بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی و
 کاهش تنش‌ها میان بزهدکاران و بزهدیدگان در حوزه جرایم
 پزشکی منجر خواهد شد.

بحث

در این مقاله، تأثیر فرهنگ سازمانی پلیس بر حقوق متهمان و بزه‌دیدگان جرایم پزشکی با تأکید بر اصول اخلاقی، عدالت ترمیمی و قانون آیین دادرسی کیفری بررسی شد. اهمیت موضوع از آن جهت است که رویکرد پلیس به‌عنوان یک نهاد کلیدی در فرآیند عدالت کیفری، نه‌تنها بر اجرای صحیح قوانین بلکه بر تقویت اعتماد عمومی و ارتقای سطح عدالت اجتماعی تأثیر عمیقی دارد. نقش فرهنگ سازمانی پلیس در این زمینه به ویژه از جنبه «روش انجام امور» و «روش تفکر در مورد امور» قابل تحلیل است. فرهنگ سازمانی پلیس، با تکیه بر ارزش‌های مشترک و باورهای اخلاقی، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که تعاملات پلیس با متهمان و بزه‌دیدگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاخصه‌های اصلی فرهنگ سازمانی نظیر الگوهای رفتاری، باورها و نگرش‌های سازمانی، نقشی تعیین‌کننده در نحوه مواجهه پلیس با جرایم پزشکی ایفا می‌کنند. فرهنگ سازمانی پلیس که برگرفته از اصول حرفه‌ای و هنجارهای اخلاقی است، نه‌تنها در عملکرد اجرایی و حرفه‌ای کارکنان پلیس بلکه در نحوه تعامل و ارتباط آن‌ها با شهروندان نیز تجلی می‌یابد. این تعاملات، به‌ویژه در حوزه جرایم پزشکی که با جان و سلامت شهروندان مرتبط است و دغدغه‌ای که برای جامعه سلامت در خصوص نحوه مواجهه دستگاه عدالت با آن‌ها برمی‌انگیزد، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند. فرهنگ سازمانی پلیس می‌تواند با فراهم‌کردن بستری لازم برای میانجی‌گری و تعامل مثبت میان بزه‌دیده و بزه‌کار، به تسهیل فرآیند عدالت ترمیمی در چارچوب نظام عدالت کیفری مساعدت کند. قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۲ به سازش و میانجی‌گری در جرایم تعزیری پرداخته است که غالباً شامل جرایمی است که در آن‌ها گذشت شاکی نقش مهمی دارد. این امر از تراکم پرونده‌ها می‌کاهد و با کاهش هزینه‌های بزه‌دیده، فرآیند بازاجتماعی شدن و اعاده حیثیت متهم جرایم پزشکی را تسریع می‌کند. پلیس می‌تواند به‌عنوان یک تسهیل‌کننده مؤثر، با ایجاد تعاملات سازنده، از بروز تنش‌های غیرضروری میان بزه‌دیده و بزه‌کار جلوگیری

کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به‌موجب قانون اقدام می‌کنند.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، یک قاعده شاخص را برای حمایت از بزه‌دیدگان و متهمین وضع نموده که در خصوص جرایم پزشکی نیز قابل تعمیم و اعمال است. بر اساس ماده ۷ این قانون، «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/ ۲/ ۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲/ ۳/ ۱۳۷۵ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

علاوه بر این بر اساس قانون، تأکید بر لزوم فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی، استمرار در دوره‌های آموزش حین خدمت زیر نظر دادستان برای مأمورین، تکلیف ضابطان قضایی برای آگاه‌سازی شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی، اهمیت حفظ اطلاعات شخصی و محرمانگی داده‌های افراد مرتبط با پرونده، انجام بازجویی و تحقیقات از زنان و کودکان از سوی ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی، انجام اقدامات اولیه در خصوص حفظ و جمع‌آوری ادله جرم، منع تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان به بزه‌دیدگان، از جمله رویکردهایی در قانون آیین دادرسی کیفری با هدف حفظ حقوق متهمین و بزه‌دیدگان هستند که همراه با تقویت فرهنگ سازمانی پلیس می‌توان انتظار داشت که در مقام رسیدگی به جرایم مختلف و به طور خاص جرایم پزشکی، از اثرمندی کافی برخوردار شوند.

مشترک، می‌تواند به تحقق اهداف عدالت ترمیمی و حفظ حقوق متهمان و بزهدیدگان جرایم پزشکی مساعدت نماید. این امر، علاوه بر کاهش تنش‌های اجتماعی، موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی و پلیس می‌شود. از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی کیفری و تأکید آن بر حقوق شهروندی و جنبه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی ضابطان قضایی، زمینه‌های مناسبی را برای نهادینه‌سازی رفتارهای مطلوب در چارچوب فرهنگ سازمانی پلیس فراهم نموده است که می‌توان با تکیه بر آن به طراحی و اجرای شیوه‌نامه‌های رفتاری افتراقی پلیس در خصوص جرایم پزشکی در مواجهه با طرفین و شهود و مرتب‌تین پرونده‌های مزبور اقدام نمود.

مشارکت نویسندگان

محسن طاهری جبلی: گردآوری منابع و تدوین نسخه اولیه مقاله.

هوشنگ شامبیاتی: نظارت و مشاوره در انجام تحقیق.

محمد آشوری: نظارت و مشاوره در انجام تحقیق.

علی نجفی توانا: نظارت و مشاوره در انجام تحقیق.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

کند. این امر نه تنها به تقویت فرهنگ سازمانی پلیس کمک می‌کند بلکه موجب بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی و کاهش فشار روانی بزهدیدگان می‌شود.

قانون آیین دادرسی کیفری، با تأکید بر حقوق شهروندی، بر حفظ کرامت انسانی متهمان و بزهدیدگان در تمام مراحل دادرسی تأکید دارد. ماده ۷ این قانون، ضابطان قضایی از جمله مأموران پلیس را ملزم می‌کند که به حقوق شهروندی احترام بگذارند و از هرگونه اعمال خشونت یا بی‌احترامی به متهمان و بزهدیدگان خودداری کنند. بر اساس این ماده، رعایت حقوق شهروندی نه تنها در مراحل دادرسی کیفری بلکه در تعاملات روزمره پلیس با شهروندان ضروری است. همچنین، قانون آیین دادرسی کیفری با الزام ضابطان به گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارت‌های لازم، به‌طور ضمنی بر اهمیت فرهنگ سازمانی پلیس و نقش آن در بهبود رفتار با متهمان و بزهدیدگان تأکید می‌کند. این امر نشان می‌دهد که تقویت فرهنگ سازمانی پلیس با آموزش و ارتقای مهارت‌های ارتباطی و حرفه‌ای، می‌تواند به ایجاد توازن مؤثر میان وظایف قضایی و احترام به حقوق شهروندی منجر شود و به ویژه در حیطه‌های حساسی چون رسیدگی به جرایم پزشکی منظور گردد.

نتیجه‌گیری

نیروی پلیس به عنوان یکی از نهادهای اجرایی و خدمت‌رسان، در تمامی ساعات شبانه‌روز با شهروندان، متهمان و بزهدیدگان در تعامل است. بر این اساس، رفتار پلیس می‌تواند مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت تحقق عدالت و اعتماد عمومی به نهادهای قانونگذار و اجرایی تأثیر بگذارد. با توجه به اهمیت حفظ حقوق شهروندی و رعایت اصول اخلاقی در قانون آیین دادرسی کیفری، پلیس به عنوان خط مقدم اجرای عدالت، باید حساسیت ویژه‌ای به حقوق افراد درگیر در فرایندهای کیفری، به ویژه متهمان و بزهدیدگان، داشته باشد. در این راستا حفظ و پیگیری دلسوزانه حقوق بزهدیدگان توأم با احترام به حقوق متهمان جرایم پزشکی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، فرهنگ سازمانی پلیس، با تکیه بر اصول اخلاقی و ارزش‌های

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Abbasi M. Medical crimes and the jurisdiction of courts. 1st ed. Tehran: Hoquqi Publications; 2003. [Persian]
2. Abbasi M. Medical criminal law. 1st ed. Tehran: Hoquqi Publications; 2010. [Persian]
3. Attaei Jannati M, Mesgari B, Bazargani E. The method of handling medical crime cases in the prosecutor's office. 4th ed. Tehran: Hoghoogh Poya Publications; 2023. [Persian]
4. Arvin MS. Rights of the accused in trial proceedings (with a jurisprudential approach). Tehran: Mehr Kalam; 2020. [Persian]
5. Khaleghi A. Notes on the Code of Criminal Procedure. 9th ed. Tehran: Shahre Danesh; 2015. [Persian]
6. Sabri NM. Annotated Code of Criminal Procedure. 3rd ed. Tehran: Ferdowsi; 2019. [Persian]
7. Moghaddasi MB, Yazdani J. Patients' rights in the light of the principles of criminology, Medical Law Quarterly. 2018; 44: 147. [Persian]
8. Shakeri A, Babaei Shahandashti SB. Enforcement of accused arrest warrant in Iranian law, along with having a look at English law (According to Iranian Law of Criminal Procedure, 1392). Comparative Law Review. 2016; 7(1): 205-24. [Persian]
9. Poostchi A. General rules of criminal security orders in the Iranian criminal system. 13th International Conference on Management and Humanities Research; 2023. [Persian]
10. Bassami M. Rights of sick defendants and offenders in the Iranian criminal system. Iran J Forensic Med. 2021; 27(4): 216-228. [Persian]
11. Arab Salmani H. Investigation of the relationship between organizational culture based on Islamic values and the behavior of employees of specialized schools in NAJA [Master's thesis]. Tehran: Dafos; 2012. [Persian]
12. Askarian M. Conceptualization of organizational culture. Police Hum Dev. 2009; 6(24): 101-124. [Persian]
13. Amiri M. Culture and organization. J Tahavol Ederi. 1992;(4-5):77-84. [Persian]
14. Zarei Matin H. Advanced organizational behavior management. 5th ed. Tehran: Age; 2013. [Persian]
15. Toosi MA. Organizational culture. Tehran: Public Management Education Center; 1993. [Persian]
16. Williams D, Walter W. Changing culture: new organizational approaches. 1989.
17. Farjiha M. A rational approach to criminal justice interventions. Detective. 2008; 2(4): 31-45. [Persian]
18. Dandurand Y, Griffiths CT. Handbook on restorative justice programmes. New York: United Nations; 2006.
19. Bahremand B, Nazari H. Restorative justice and its manifestations in Iranian criminal law [Master's thesis]. Tehran: University of Tehran; 2004. [Persian]
20. Miller et al. Police in the community. Translated by Kalhor MR. Tehran: University of Police Sciences; 2013.
21. Abdolrahmani R. An introduction to informal police organizational culture. Danesh Entezami. 2007; 9(3): 31-58. [Persian]